

جولان استعاره‌ها در دوران کرونا؛ ارزیابی عناوین خبری در چارچوب زبان‌شناسی شناختی

چکیده

استعاره‌ها در نظام ذهن و شناخت انسان دارای جایگاه و اهمیتی بسیار اساسی‌اند و از همان ابتدای شیوع ویروس کرونا (کووید-۱۹) تا به امروز، نقش بارزی در مفهوم‌سازی این بیماری و موضوعات و مسائل مرتبط با آن ایفا کرده‌اند. هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم‌سازی‌های استعاری کرونا در عناوین خبری رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی است. داده‌های پژوهش مشتمل بر ۲۲۰ عبارت استعاری در تیترهای خبری استخراج شده از پایگاه‌های اینترنتی خبرگزاری‌های فارسی‌زبان شامل فارس، ایسنا، تسنیم و مهر است. تحلیل داده‌ها در چارچوب دو نظریه استعاره مفهومی (لیکاف، ۱۹۸۷، ۱۹۹۳؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، ۱۹۹۹) و نظریه طرحواره‌های تصویری (جانسون، ۱۹۸۷؛ لیکاف، ۱۹۸۷) انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استعاره‌های به کاررفته برای مفهوم‌سازی کرونا را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد: استعاره‌های مبتنی بر طرحواره‌های تصویری و استعاره‌های جدا از طرحواره‌های تصویری. در شکل‌گیری استعاره‌های دسته اول طرحواره نیرو نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند و می‌تواند به صورت طرحواره جنگ، نیروهای طبیعت و فوتبال زیربنای مفهوم‌سازی‌های استعاری قرار گیرد. در شکل‌گیری استعاره‌های دسته دوم حوزه‌های مبدأ انسان و حیوانات (به صورت انسان‌پنداری و جاندارپنداری) و همچنین حوزه‌هایی از قبیل آتش، سایه و وسیله نقلیه نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: کرونا، کووید-۱۹، استعاره مفهومی، طرحواره تصویری، مفهوم‌سازی استعاری

۱- مقدمه

ویروسی که به نام کووید-۱۹ شهرت یافته نخستین بار در دسامبر ۲۰۱۹ در ووهان چین شناسایی شد و در تاریخ دهم فوریه ۲۰۲۰ شی جین پینگ رهبر چین قول داد که مردم در «جنگ» علیه ویروس کرونا پیروز خواهند شد (پانزری، دی پائولا و دومانسکی^۱، ۲۰۲۱). در یازدهم مارس ۲۰۲۰ سازمان بهداشت جهانی، ویروس کرونا را که کووید-۱۹ نام گرفت، به عنوان یک همه‌گیری جهانی اعلام کرد (کاریسانی و کاریسانی^۲، ۲۰۲۰). ویروس کرونا از بهمن ۱۳۹۸ در ایران نیز شناسایی شد و به سرعت در صدر اخبار قرار گرفت.

از همان اولین روزهای ورود کرونا به کشور روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های خبری نوشتاری، شنیداری و دیداری اقدام به انتشار خبر و گزارش درباره این ویروس کردند. یکی از ویژگی‌های جالب توجه این خبررسانی‌ها استفاده گسترده و خلاقانه از استعاره بود و همچنان تا به امروز استعاره‌ها نقش بارزی در مفهوم‌سازی ویروس کرونا و موضوعات و مسائل مرتبط با آن دارند. برای مثال، می‌توان به عناوین خبری زیر اشاره کرد که در آنها استعاره‌ها حضوری قابل توجه دارند:

- وعده بلینکن به هند: آمریکا در جنگ کرونا کنار شماست (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰/۳/۸)
- نگرانی فرمانده جنگ کرونا در یاسوج (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۱/۲۰)
- بازی هنوز به نفع ما نیست؛ مراقب گل دقیقه ۹۰ کرونا باشید (خبرگزاری صداوسیما، ۹۹/۱۲/۲۳)
- طوفان کرونا در مازندران (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۱/۲۰)

¹ F. Panzeri, S. Di Paola & F. Domaneschi

² N. Karisani & P. Karisani

- اختاپوس کرونا بر قامت رنجور بهداشت جهانی (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰/۱/۱۸)

استعاره‌ها در نظام ذهن و شناخت انسان جایگاه و اهمیتی بسیار اساسی دارند. همان‌طور که گیبز^۱ (۲۰۰۶: ۶۰۶) اشاره می‌کند: شواهد روان‌شناختی بسیاری در پشتیبانی از این دیدگاه وجود دارد که بسیاری از جنبه‌های مفاهیم ذهنی انسان و فرآیندهای استدلال او مبتنی بر استعاره مفهومی است. بنابراین، انتظار می‌رود که در مفهوم‌سازی بیماری همه‌گیری چون کرونا که بیش از یک سال است همه جهان و بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را در سراسر این کره خاکی درگیر خود کرده است استعاره‌ها نقش پررنگی داشته باشند و برای درک و بیان این بیماری و ابعاد و موضوعات مختلف مرتبط به آن از استعاره استفاده شود.

هدف مقاله حاضر این است که به بررسی مفهوم‌سازی‌های استعاری کرونا در عناوین خبری رسانه‌های فارسی‌زبان داخلی در چهارچوب نظریه استعاره مفهومی^۲ (لیکاف^۳، ۱۹۸۷، ۱۹۹۳؛ لیکاف و جانسون^۴، ۱۹۸۰، ۱۹۹۹) و نظریه طرحواره‌های تصویری (جانسون، ۱۹۸۷، لیکاف، ۱۹۸۷) بپردازد. دو سوال اساسی پژوهش عبارتند از: ۱) کدام طرحواره‌های تصویری در مفهوم‌سازی استعاری کرونا در عناوین خبری رسانه‌های داخلی نقش بارزتری دارند؟ ۲) آیا همه استعاره‌های مرتبط با کرونا مبتنی بر طرحواره‌های تصویری‌اند؟

اهمیت این پژوهش از این لحاظ است که مطالعه استعاره‌های به کار رفته در متون رسانه‌ای یک بُعد شناختی به مطالعات ارتباطات رسانه‌ای می‌بخشد و مطالعه بُعد شناختی استعاره‌ها ابزاری ارزشمند برای درک این مطلب است که رسانه‌ها چگونه و چرا پیام‌های خود را به صورت‌های مختلف خلق می‌کنند (کووچش^۵، ۲۰۱۸: ۱۳۸). بنابراین با مطالعه نحوه بازنمایی اخبار مرتبط با کرونا در عناوین خبری رسانه‌ها می‌توان دریافت که رسانه‌ها چگونه از استعاره‌ها و طرحواره‌های تصویری برای مفهوم‌سازی کرونا و مسائل مرتبط با آن استفاده می‌کنند و چرا با توسل به استعاره‌های مختلف، پیام‌های خود را به طرق مختلف صورت‌بندی می‌کنند.

۲- پیشینه پژوهش

از زمان ظهور ویروس همه‌گیر کووید-۱۹ تاکنون چندین پژوهش درباره نحوه بیان و بازنمایی این ویروس در متون مطبوعاتی صورت گرفته است. جاوید و رحیمیان (۱۳۹۹) در چهارچوب نظریه استعاره فرهنگی - شناختی کووچش (۲۰۰۵) به بررسی تفاوت‌های مفهوم‌سازی استعاری ویروس کرونا در عناوین دو روزنامه اعتماد و ایران از تاریخ ۱ اسفند ۱۳۹۸ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در مطالب این دو روزنامه از حوزه‌های مبدأ گوناگونی برای مفهوم‌سازی استعاری ویروس کرونا استفاده شده است و حوزه‌های وسیله نقلیه، انسان، حیوان، بلا، مانع، شمشیر، شیء، کالا، مسابقه، موجود زنده، نیرو/عامل، مکان، جنگ، اتفاق، بازی، فرصت و موجود ترسناک در هر دو روزنامه مشترک بوده‌اند. البته تفاوت‌هایی نیز در نحوه مفهوم‌سازی استعاری در دو روزنامه مشاهده شده است. در روزنامه اعتماد، ویروس کرونا بر اساس حوزه‌های مبدأ بحران، غذا، بازیگر، ابر، نوشیدنی، آهنگ و بحث و در روزنامه ایران، بر

¹ R.W. Gibbs

² Conceptual Metaphor Theory (CMT)

³ G. Lakoff

⁴ G. Lakoff & M. Johnson

⁵ Z. Kövecses

اساس حوزه‌های معلم، آزمون، مسیر، بار، حاکم، نیروی طبیعی، زندان، هدیه، زندگی، فصل، پازل، چراغ راهنما، ابزار و قاتل نیز مفهوم‌سازی شده‌اند. بعضی از مفهوم‌سازی‌های استعاری ویروس کرونا در ذیل آمده است:

- کرونا در کدام ایستگاه‌ها مسافر مترو خواهد شد (حوزه مبدأ: انسان)

- ایستگاه کرونا (حوزه مبدأ: وسیله نقلیه)

- کرونا نمی‌گذارد نفت نفس بکشد (حوزه مبدأ: مانع)

- کرونا با طعم سیاست (حوزه مبدأ: غذا)

در این پژوهش، به نقش طرحواره‌های تصویری در مفهوم‌سازی استعاری کرونا اشاره‌ای نشده و تنها به استخراج و تحلیل حوزه‌های مبدأ استعاری پرداخته شده است. دانش‌زاده (۱۳۹۹) تمرکز خود را بر استعاره جنگ معطوف کرده و مفهوم‌سازی ویروس کووید-۱۹ در قالب استعاره جنگ را در سه لایه قابل بررسی دانسته است: الف) فرایندهای زیست‌شناختی درون بدن انسان و فرایندهای درمان‌گرانه پزشکی؛ ب) مواجهه شخص بیمار با بیماری؛ ج) مواجهه واحدهای جمعی بزرگ با بیماری. وی کاربرد و رواج این استعاره را به چهار دلیل مورد انتقاد قرار داده است:

۱- گرچه نگاشت حتی یک جنبه از حوزه مبدأ به حوزه مقصد می‌تواند تعبیرگری استعاری را ممکن سازد، کم بودن ویژگی‌های قابل نگاشت قادر است کارایی یک استعاره را تا حدی کاهش دهد؛ قابلیت نگاشت‌پذیری حوزه جنگ به حوزه بیماری نسبت به حوزه‌های ورزش و سیاست کمتر است.

۲- برخی از الگوهای استنتاجی ناشی از این نگاشت استعاری در خصوص مواجهه فردی یا جمعی با این بیماری الزاماً راهگشا و قابل توصیه نیستند. علاوه بر این، تداعی‌های ناخواسته سایر اجزای این قالب می‌تواند روند پاسخ به این بیماری را مختل سازد.

۳- تنوع تجربه‌های فردی از بیماری کرونا و نیز پیچیدگی‌های الگوی مواجهه جمعی با آن اقتضا می‌کند که استعاره‌های این حوزه نیز متنوع باشند.

۴- بعضی از ویژگی‌های قالب معنایی جنگ به نحوی است که با ویژگی‌های حوزه مقصد، یعنی همه‌گیری کرونا، نامتناسب و متقابل است.

نکته مهمی که دانش‌زاده (۱۳۹۹) به آن اشاره می‌کند این است که کرونا علاوه بر حوزه مقصد استعاری، به عنوان حوزه مبدأ نیز مورد استفاده قرار گرفته و به صورت استعاری برای بیان سایر مفاهیم به کار رفته است. در مدت کوتاهی از ظهور همه‌گیری کرونا ترکیبات استعاری متعددی حول بیماری کرونا به عنوان حوزه مبدأ استعاری شکل گرفته است که از آن بین می‌توان به کرونا اقتصادی، کرونا اخلاقی، کرونا فرهنگی، کرونا فکری، کرونا اجتماعی و کرونا بی‌اعتمادی اشاره کرد. در بسیاری از این موارد به ویژگی‌های اختصاصی حوزه مبدأ (یعنی کرونا) اعتنای چندانی نمی‌شود و برای ارجاع به هر وضعیت به شدت نامطلوب و حل و فصل نشده به کار می‌رود.

مذهب و شهیدی تبار (۱۳۹۹) براساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، استعاره‌های مفهومی مرتبط با بیماری کرونا را در گزیده‌ای از اخبار منتشره در رسانه‌های برخط ایرانی بررسی نموده‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ایرانیان در حال «جنگ» با کرونا هستند و این ویروس به مثابه «دشمن» همه مردم ایران مفهوم‌سازی می‌شود. علاوه بر این، کادر درمانی «مدافعان و سربازان وطن» هستند و در مبارزه‌ای سرنوشت‌ساز در تلاش برای غلبه بر این

دشمن‌اند. در این مطالعه، تعداد ۹ حوزه مفهومی به عنوان متداول‌ترین حوزه‌های مبدأ استعاری در اخبار مرتبط با کرونا شناسایی شده‌اند: دشمن، سد، مسیر، حرکت، بحران، سنگر، تجربیات جسمانی، منحوس و اعضای بدن. از بین این حوزه‌های مبدأ، حوزه «دشمن» با ۷۰ درصد دارای بالاترین بسامد وقوع است و چهار نگاشت استعاری حول محور آن شکل می‌گیرد:

- پزشکان، پرستاران و کلیه کادر پزشکی به مثابه مدافعان عرصه جنگ
- کارد درمانی کشته‌شده در اثر کرونا به مثابه شهدای جنگ
- رعایت مسائل بهداشتی به مثابه رعایت مسائل نظامی
- درمان و رهایی از کرونا به مثابه شکست دشمن

مذهب و شهیدی‌تبار (۱۳۹۹) نیز تنها بر حوزه‌های مبدأ تمرکز کرده‌اند و اشاره‌ای به نقش طرحواره‌های تصویری در شکل‌گیری استعاره‌ها ننموده‌اند.

پژوهشگران غیرایرانی نیز در زمینه چگونگی بازنمایی ویروس کرونا در متون مطبوعاتی مطالعاتی انجام داده‌اند. ویک و بلونسی^۱ (۲۰۲۰) به مطالعه نحوه مفهوم‌سازی و بحث درباره همه‌گیری کووید-۱۹ در توییتر پرداخته‌اند. از اصطلاحات مرتبط با حوزه مفهومی «جنگ» برای شکل‌دهی گفتمان حول موضوع کرونا در توییتر استفاده می‌شود و استعاره‌های مرتبط با جنگ در این گفتمان نقش مهمی ایفا می‌کنند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که استعاره‌های جنگ بیشتر برای گفتگو درباره موضوعات تخصصی، مانند نحوه مقابله با ویروس، اشاره به افراد درگیر در درمان مانند پزشکان و پرستاران و نیز موضوعات مرتبط با تشخیص بیماری به کار می‌رود و نه درباره سایر موضوعات فرعی از قبیل اثرات ویروس بر روی فاصله‌گذاری اجتماعی. ویک و بلونسی بسامد کاربرد اصطلاحات مرتبط با جنگ در شکل‌دهی به سه قالب استعاری (شامل هیولا، طوفان و سونامی) و یک قالب لفظی (خانواده) را بررسی کرده‌اند. پربسامدترین اصطلاحات استعاری به کاررفته در قالب جنگ شامل “fighting”، “fight”، “battle”، and “combat” بوده است.

چایوک و دونایفسکا^۲ (۲۰۲۰) در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی نحوه بازنمایی فاجعه کرونا در روزنامه‌های بریتانیا پرداخته‌اند تا دریابند که این روزنامه‌ها از چه ابزارهای زبانی برای ایجاد رعب و وحشت ناشی از کرونا در بین مردم استفاده می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روزنامه‌ها با استفاده از تعبیرهای استعاری و تصویرسازی کرونا به مثابه موجودی مرگ‌آفرین که در حال نزدیک شدن به بریتانیا است و مانند یک سونامی این کشور را دربرخواهد گرفت، اقدام به بزرگ‌نمایی در مورد اخبار و گزارش‌های این ویروس در کشور چین کرده‌اند و هراس شدیدی در بین مردم به وجود آورده‌اند.

در یکی از جدیدترین پژوهش‌ها، پانزری و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا بازنمایی همه‌گیری کرونا به مثابه «جنگ» بر نحوه تفکر مردم درباره این بیماری تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ نتایج نشان می‌دهد که مشارکان این پژوهش در مواجهه با استعاره‌هایی که کرونا را توسط مفاهیم مربوط به جنگ بیان می‌کنند، در کل تمایل بیشتری به استفاده از اقدامات خشن و جنگ‌طلبانه پیدا نمی‌کنند اما در بعضی افراد گرایش جنگ‌طلبانه مشاهده می‌شود.

¹ P. Wicke & M.M. Bolognesi

² T.A. Chaiuk & O.V. Dunaievska

تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که این تأثیرگذاری به صورت خود بخود اتفاق نمی‌افتد بلکه، به عوامل و متغیرهای فردی از قبیل جهت گیری سیاسی افراد و منبع دریافت اطلاعات مربوط به بیماری بستگی دارد به طوری که افراد دارای گرایش سیاسی به جناح راست و افرادی که اطلاعات خود را از منابع مستقل دریافت می‌کنند بیشتر تحت تأثیر استعاره جنگ قرار می‌گیرند. پانزری و همکاران (۲۰۲۱) اشاره می‌کنند که استعاره‌های مفهومی علاوه بر نقش شناختی، کارکرد احساسی هم دارند و می‌توانند بر وضعیت احساسی افراد تأثیر بگذارند.

علاوه بر بحث استعاره در مفهوم سازی کووید-۱۹ و مسائل و موضوعات مرتبط با آن، سایر جنبه‌های زبانی مرتبط با کووید-۱۹ یا متأثر از آن نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. برای مثال، کاریسانی و کاریسانی (۲۰۲۰) با روش داده کاوی به بررسی پُست‌های منتشر شده توسط کاربران شبکه اجتماعی توئیتر پرداخته‌اند تا ببینند مدل‌های یادگیری ماشینی تا چه حد قابلیت تجزیه و تحلیل داده‌های منتشر شده توسط کاربران را دارند. خان، آسیف و جافری^۱ (۲۰۲۰) نیز به بررسی قابلیت خوانایی و وجود اطلاعات آنلاین ترجمه شده در مورد کووید-۱۹ برای عموم مردم در بریتانیا پرداخته‌اند.

۳- پایگاه نظری

تحلیل داده‌های پژوهش در چارچوب دو نظریه استعاره مفهومی (لیکاف، ۱۹۸۷، ۱۹۹۳؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، ۱۹۹۹) و نظریه طرحواره‌های تصویری (جانسون، ۱۹۸۷؛ لیکاف، ۱۹۸۷) انجام می‌شود. بنابراین در ادامه این بخش معرفی مختصری از این دو نظریه ارائه می‌دهیم.

۱-۳- نظریه استعاره مفهومی

قرن‌های مدید استعاره را غالباً یکی از راه‌های کاربرد شاعرانه زبان می‌دانستند و آن را جزء صناعات ادبی محسوب می‌کردند، اما مطالعات گسترده‌ای که در چند دهه اخیر در چارچوب زبان‌شناسی شناختی انجام گرفته این دیدگاه سنتی را به چالش کشیده و نشان داده است که استعاره نه یک پدیده زبانی صرف، بلکه پدیده‌ای مفهومی است که زبان یکی از تجلی‌گاه‌های آن است. معروف‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه‌ای که در باب استعاره ارائه شده است نظریه استعاره مفهومی^۲ است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) نشان دادند که استعاره‌های شعری و استعاره‌های موجود در گفتار روزمره در اصل محصول جانبی اندیشه استعاری‌اند. در نتیجه، وقتی که یک امتحان سخت را «ماراتن» می‌نامیم، به این خاطر نیست که می‌خواهیم تعبیر شاعرانه‌ای به کار ببریم بلکه به این دلیل است که ما واقعاً این امتحان را به مثابه یک مسابقه سخت و طولانی مفهوم سازی می‌کنیم (سولیان^۳، ۲۰۱۷: ۳۸۵).

کووچش (۲۰۱۸: ۱۲۵) تعریف استاندارد استعاره مفهومی را به این صورت بیان می‌کند: «یک استعاره مفهومی مجموعه‌ای از تناظرهای نظام مند، یا نگاشت‌ها، بین دو قلمرو تجربه است». این تعریف تکنیکی تر از تعریفی است که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) ارائه داده‌اند و استعاره مفهومی را «درک یک حوزه براساس حوزه دیگر» تعریف کرده‌اند. به

¹ S. Khan, A. Asif & A.E. Jaffery

² conceptual metaphor theory

³ K. Sullivan

اعتقاد کووچش (۲۰۱۰: ۷۳)، استعاره‌ها نه تنها در گفتار روزمره بلکه در اکثر واقعیت‌های غیرزبانی زندگی انسان نیز حضور و ظهور دارند و در بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی، هنری، روانی، عقلانی و فرهنگی ما رخنه کرده‌اند.

۲-۳- نظریه طرحواره‌های تصویری

نظریه طرحواره‌های تصویری یکی از نظریه‌های مطرح در چارچوب زبان‌شناسی شناختی است که عمدتاً توسط جانسون (۱۹۸۷) ارائه و تدوین شده است. به عقیده جانسون، تجربه‌های جسمانی و فیزیکی انسان به پیدایش طرحواره‌های تصویری در نظام مفهومی او منجر می‌شود. منشأ طرحواره‌های تصویری تجربه‌های حسی و ادراکی انسان در تعامل با جهان اطراف است و ماهیتی پیشامفهومی^۱ دارند. اونگر و اشمید^۲ (۲۰۰۶: ۱۱۹) طرحواره‌های تصویری را ساختارهای شناختی ساده و اساسی می‌دانند که منشأ آنها تجربه‌های جسمانی ماست و حاصل برهم‌کنش بدنی ما با جهان هستند. آنها از طرحواره‌های جهتی مانند ورود-خروج، درون-بیرون، جلو-عقب، و نیز طرحواره ظرف-محتوا، طرحواره جزء-کل و طرحواره مسیر نام می‌برند و اشاره می‌کنند که این طرحواره به احتمال بسیار زیاد در بین همه انسان‌ها مشترک هستند. اصطلاح «طرحواره» به مفاهیم کمابیش انتزاعی و کلی، و نه مفاهیم غنی و پر از جزئیات اشاره دارد که الگوهای کلی حاصل از تجربه‌های جسمانی تکرارشونده انسان را دربرمی‌گیرد. اگر بخواهیم مثالی مشابه از زبان بزنیم، می‌توانیم دو واژه «چیز» و «ظرف» را نام ببریم که معانی کلی‌تر و طرحواره‌ای‌تری نسبت به واژه‌هایی مانند «خودکار» یا «فنجان» دارند (ایوانز و گرین^۳، ۲۰۰۶: ۱۷۹). سه مورد از رایج‌ترین و مهمترین طرحواره‌های تصویری عبارتند از: طرحواره ظرف (یا حجمی)^۴، طرحواره مسیر^۵ و طرحواره نیرو (یا قدرتی)^۶. در ادامه به معرفی این سه طرحواره می‌پردازیم.

طرحواره تصویری ظرف

طرحواره ظرف متشکل از عناصر ساختاری درون، مرز و بیرون است و این سه عنصر حداقل عناصر لازم برای شکل‌گیری ظرف هستند. این طرحواره را در جمله زیر می‌توان مشاهده کرد:

(1) John went out of the room.

در این جمله، John هستاری است که حرکت می‌کند و از نقطه‌ای درون ظرف به نقطه‌ای بیرون از آن حرکت می‌کند. بنابراین John پیکر (TR) است و ظرف پیکر (LM). طرحواره تصویری ظرف در جمله ۱ را به شکل زیر نمایش می‌دهند.

¹ pre-conceptual

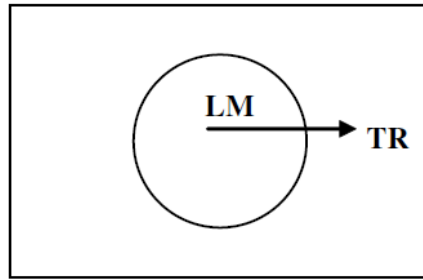
² F. Ungerer & H.J. Schmid

³ V. Evans & M. Green

⁴ CONTAINER

⁵ PATH

⁶ FORCE



شکل ۱. طرحواره تصویری ظرف در جمله ۱ (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۲)

طرحواره تصویری مسیر

طرحواره مسیر بیانگر حرکت از یک نقطه (نقطه A) به نقطه‌ای دیگر (نقطه B) است. بنابراین، عناصر اصلی این طرحواره عبارتند از مبدأ، مسیر و مقصد. این طرحواره را می‌توان به شکل زیر به تصویر کشید.



شکل ۲. طرحواره تصویری مسیر (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۵)

رد پای این طرحواره را در مثال‌های زیر می‌توان مشاهده کرد که در هر مثال، عناصر خاصی از طرحواره حضور دارند.

- a. John left [England]. (مبدأ)
- b. John travelled [to France]. (مقصد)
- c. John travelled [from England] [to France]. (مبدأ - مقصد)
- d. John travelled [through the Chunnel] [to France]. (مسیر - مقصد)
- e. John travelled [from England] [through the Chunnel] [to France]. (مبدأ - مسیر - مقصد)

طرحواره تصویری نیرو

طرحواره‌ها از تجربه‌های جسمانی و نحوه تعامل ما با جهان نشأت می‌گیرند. طرحواره نیرو به‌وضوح شیوه‌های مختلف تعامل و برهم‌کنش ما با اشیا و پدیده‌های اطراف را نشان می‌دهد؛ یعنی اینکه چگونه بر هستارها عمل می‌کنیم یا تحت تأثیر و عمل آنها قرار می‌گیریم و در نتیجه انتقال انرژی حرکتی به وجود می‌آید (همان: ۱۸۲). طرحواره نیرو خود دارای چند نوع است شامل اجبار^۱، انسداد^۲، انحراف^۳، نیروی متقابل^۴، حذف مانع^۵، جذب^۶ و قدرت‌بخشی^۷.

¹ COMPULSION

² BLOCKAGE

³ DIVERSION

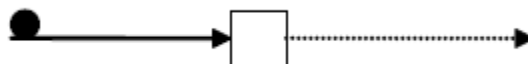
⁴ COUNTERFORCE

⁵ REMOVAL OF RESTRAINT

⁶ ATTRACTION

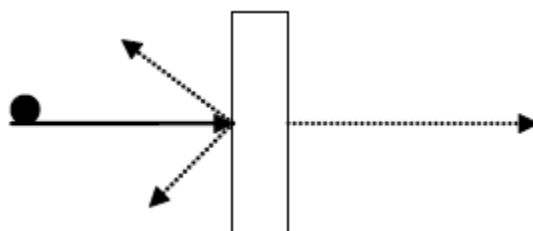
⁷ ENABLEMENT

طرحواره اجبار ریشه در تجربیات ما از موقعیت‌هایی دارد که توسط یک نیروی خارجی قوی کنار زده می‌شویم، مثلاً وقتی که در اثر نیروی یک جمعیت انبوه به کناری می‌افتیم یا در اثر نیروی شدید باد به عقب رانده می‌شویم. بازنمایی طرحواره اجبار به شکل زیر است.



شکل ۳. طرحواره تصویری اجبار (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۸)

طرحواره انسداد (شکل زیر) از تجربیات ما در مواجهه با موانع و نیروهای مقاوم نشأت می‌گیرد. برای مثال، هنگامی که یک خودرو به مانعی مانند درخت برخورد می‌کند.



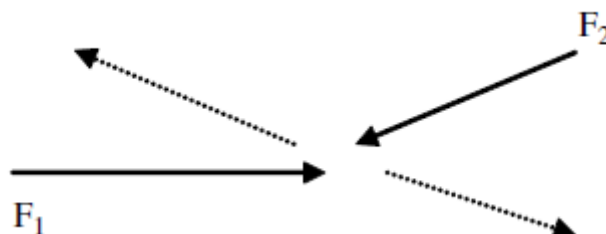
شکل ۴. طرحواره تصویری انسداد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۸)

طرحواره نیروی متقابل که در شکل زیر به نمایش درآمده است، از تجربیات ما در موقع برخورد دو هستار با نیروی مساوی نشأت می‌گیرد، مثلاً وقتی که بطور اتفاقی با فردی در خیابان برخورد می‌کنیم.



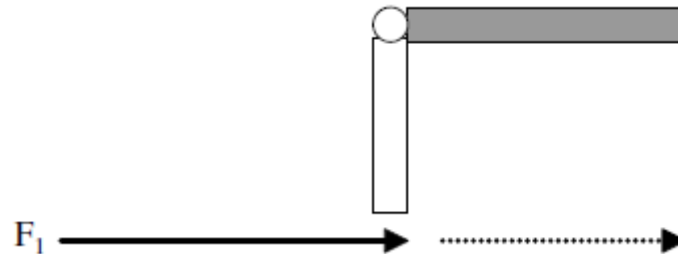
شکل ۵. طرحواره تصویری نیروی متقابل (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۸)

طرحواره انحراف بیانگر موقعیت‌هایی است که یک هستار در حال حرکت با هستار دیگری برخورد می‌کند و در نتیجه آن تغییر جهت می‌دهد. برای مثال، هنگامی که یک شناگر با یک موج قوی آب مواجه می‌شود و در اثر نیروی آن به تدریج به سمت ساحل کشیده می‌شود، یا کمانه کردن یک گلوله.



شکل ۶. طرحواره تصویری انحراف (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۸)

منشأ طرحواره حذف مانع تجربیات ما از موقعیت‌هایی است که یک سد یا مانع در اثر نیروی وارده کنار می‌رود و مسیر حرکت و آزادسازی انرژی باز می‌شود، مثلاً وقتی که در اثر باز شدن ناگهانی یک در تعادل خود را از دست می‌دهیم و می‌افتیم.



شکل ۷. طرحواره تصویری حذف مانع (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۹)

طرحواره قدرت بخشی، از درک و احساس ما از انرژی بالقوه یا فقدان آن در انجام یک کار نشأت می‌گیرد. برای مثال، در حالی اکثر افراد عادی و سالم احساس می‌کنند که می‌توانند جعبه وسایلی را که از فروشگاه خریده‌اند بلند کنند، بعضی افراد احساس می‌کنند که قادرند یک خودرو را بلند کنند.



شکل ۷. طرحواره تصویری قدرت بخشی (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۹)

طرحواره جذب ریشه در تجربیات ما از موقعیت‌هایی دارد که در آنها یک هستار در اثر نیروی که به آن وارد می‌شود به سمت هستار دیگر کشیده و جذب می‌شود، مانند آهن‌ربا یا نیروی جاذبه زمین.



شکل ۷. طرحواره تصویری جذب (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۹)

پژوهشگران متعددی درباره طرحواره‌های تصویری، انواع و طبقه‌بندی آنها به بحث و اظهار نظر پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به جانسون (۱۹۸۷)، لیکاف (۱۹۸۷)، لیکاف و ترنر^۱ (۱۹۸۹)، گیز و کولستون^۲ (۱۹۹۵) و سینکی^۳ (۱۹۹۸) اشاره کرد. فهرست طرحواره‌های تصویری ارائه شده در جدول زیر جمع‌بندی آراء این پژوهشگران است که ایوانز و گرین (۲۰۰۶: ۱۹۰) ارائه کرده‌اند.

جدول ۱. فهرستی از طرحواره‌های تصویری (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۹۰)

^۱ G. Lakoff & M. Turner

^۲ R.W. Gibbs & H. Colston

^۳ A. Cineki

SPACE	UP-DOWN, FRONT-BACK, LEFT-RIGHT, NEAR-FAR, CENTRE-PERIPHERY, CONTACT, STRAIGHT, VERTICALITY
CONTAINMENT	CONTAINER, IN-OUT, SURFACE, FULL-EMPTY, CONTENT
LOCOMOTION	MOMENTUM, SOURCE-PATH-GOAL
BALANCE	AXIS BALANCE, TWIN-PAN BALANCE, POINT BALANCE, EQUILIBRIUM
FORCE	COMPULSION, BLOCKAGE, COUNTERFORCE, DIVERSION, REMOVAL OF RESTRAINT, ENABLEMENT, ATTRACTION, RESISTANCE
UNITY/MULTIPLICITY	MERGING, COLLECTION, SPLITTING, ITERATION, PART-WHOLE, COUNT-MASS, LINK(AGE)
IDENTITY	MATCHING, SUPERIMPOSITION
EXISTENCE	REMOVAL, BOUNDED SPACE, CYCLE, OBJECT, PROCESS

۴- روش پژوهش

برای گردآوری داده‌های پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است؛ به این صورت که با مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی چهار خبرگزاری فارسی‌زبان شامل فارس، ایسنا، تسنیم و مهر عناوین خبری مرتبط با کرونا استخراج شده و سپس در چارچوب دو نظریه استعاره مفهومی و طرحواره‌تصورى مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در مجموع، تعداد ۲۲۰ عبارت استعاری از تیتراهای خبری استخراج شده و پس از تجزیه و تحلیل، حوزه‌های مبدأ، نگاشت‌های استعاری و طرحواره‌های تصویری موجود در هر یک از آنها کشف و طبقه‌بندی شده است. لازم به ذکر است که علاوه بر شم زبانی پژوهشگر، از نظرات چند تحلیلگر نیز در تعیین حوزه‌های مبدأ، نگاشت‌های استعاری و طرحواره‌های تصویری استفاده شده است.

۵- تحلیل داده‌ها

در این بخش از پژوهش به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم استعاره‌ها و طرحواره‌های تصویری موجود در داده‌ها را کشف و بررسی نماییم. استعاره‌های مرتبط با کرونا را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

(۱) استعاره‌های مبتنی بر طرحواره‌های تصویری. یعنی استعاره‌های که براساس یکی از طرحواره‌های تصویری جدول ۱ شکل گرفته‌اند و آنها را می‌توان بر این اساس تحلیل و تبیین نمود.

(۲) استعاره‌های جدا از طرحواره‌های تصویری. یعنی استعاره‌های که براساس یکی از طرحواره‌های تصویری جدول ۱ شکل نگرفته‌اند و آنها را نمی‌توان بر این اساس تحلیل و تبیین نمود.

در ادامه، هر یک از این دو گروه از استعاره‌ها را بررسی می‌کنیم.

۵-۱- استعاره‌های مبتنی بر طرحواره‌های تصویری

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از استعاره‌های مرتبط با بیماری کرونا در عناوین خبری رسانه‌ها ریشه در طرحواره‌های تصویری دارند و براساس آنها قابل تحلیل‌اند. مهمترین و رایج‌ترین طرحواره تصویری که زیربنای این استعاره‌ها است طرحواره نیرو است.

طرحواره نیرو

یکی از موضوعاتی که در اخبار مربوط به کرونا مشاهده و پیوسته تکرار می‌شود این است که اعمال محدودیت‌ها و رعایت پروتکل‌های بهداشتی همچون سدی در برابر شیوع کرونا عمل می‌کند. در این تقابل، کرونا نقش نیروی آگونیست و محدودیت‌ها یا پروتکل‌ها نقش نیروی آنتاگونیست دارند. بنابراین در اینجا با طرحواره نیرو مواجه هستیم.

۱. ترمز کرونا روی سرعت گیر محدودیت‌ها

۲. صف آرایی واکسن‌ها در جدال با کرونا

۳. زور امتحانات نهایی به کرونا نرسید!

۴. جمعه پر حادثه در ارتفاعات شمال تهران؛ کرونا هم حریف کوه‌پیمایان نشد.

در مثال اول، کرونا به مثابه یک ماشین، مفهوم‌سازی شده است و محدودیت‌هایی که در رفت و آمد، تجمع یا خروج از خانه اعمال شده است به مثابه سرعت گیر مفهوم‌سازی شده است که در مقابل ماشین کرونا قرار دارد و سرعت آن را کم می‌کند. هرچند در اینجا با استعاره «کرونا، ماشین است» مواجه هستیم اما زیربنای آن طرحواره نیرو و به‌طور مشخص زیر طرحواره انسداد است که در آن یک نیروی در حال اعمال با مانعی برخورد می‌کند و متوقف یا منحرف می‌گردد. در مثال دوم، دو واژه صف آرایی و جدال به وضوح دلالت بر تقابل بین دو نیرو دارند، کرونا از یک طرف و واکسن از طرف دیگر. بنابراین، در اینجا با طرحواره نیرو و به‌طور مشخص زیر طرحواره نیروی متقابل روبرو هستیم. شکل زیر تقابل بین دو نیروی کرونا و واکسن را در قالب طرحواره تصویری نیرو نشان می‌دهد.



طرحواره جنگ

طرحواره جنگ یا مبارزه را که رایج‌ترین طرحواره موجود در مفهوم‌سازی‌های استعاری کرونا به شمار می‌رود می‌توان نوعی از طرحواره تصویری نیرو دانست که در آن دو نیرو با یکدیگر در حال تقابل هستند و هر یک از آنها تلاش می‌کند بر دیگری غلبه کند. استعاره‌هایی که در آنها کرونا به مثابه دشمن و تلاش برای پیشگیری یا درمان کرونا به مثابه جنگ/مبارزه/مقابله مفهوم‌سازی می‌شود ریشه در این طرحواره دارند. در زیر نمونه‌های متعددی از این استعاره ارائه شده است.

- تجلیل از سربازان خط مقدم مقابله با کرونا
- جنگ جهانی دیگر، این بار جهان علیه کرونا

- موافقت فرمانده قرارگاه عملیاتی مبارزه با کرونا با ادامه توقف تردد مسافری از مرزهای عراق
- نگرانی فرمانده جنگ کرونا در یاسوج
- شهرستان بوشهر دچار جنگ کرونایی است.
- در جنگ با کرونا صف اولیم، در تزریق واکسن گروه آخر!
- مدافع سلامت دیگری در استان البرز آسمانی شد.
- نخستین مدافع سلامت استان اردبیل آسمانی شد.
- مسری شدن همدلی و جهاد با ویروس کرونا در موبک انصارالحسین (ع) نکا
- بسیجی‌های لواسان کماکان در میدان مبارزه با کرونا
- مقابل کرونا با جان و دل ایستاده‌ایم.
- تلاش کادر درمانی در مبارزه با ویروس کرونا ستودنی است.
- حناچی: کرونا ضربات سنگینی به شهرداری تهران وارد کرد.
- کروس با شکست کرونا به اردوی ژرمن‌ها ملحق شد.
- آزادسازی واردات خودرو در ماه اول و شکست کرونا در سال اول دولتم
- فریب پیروزی بر کرونا را خوردیم.
- وعده بلینکن به هند: آمریکا در جنگ کرونا کنار شماست.
- یک سال با کرونا؛ از کادر درمان تا جهادگران
- عملیات در قلب کرونا؛ خط مقدمی که به آن واکسن نرسید.
- به یاد شهید/ی سلامت چهارمحال و بختیاری
- تاکنون پرونده ۱۶ شهید سلامت خراسان رضوی تأیید شده است.
- شهادت تعدادی از ماماها در بحران کرونا
- مجاهدت کادر درمان در دوران کرونا در تاریخ ایران ماندگار خواهد شد.

استفاده از واژه‌هایی نظیر سرباز، خط مقدم، جنگ، مقابله، مبارزه، فرمانده، جهاد، مدافع، میدان، عملیات، شهدا و غیره جملگی بیانگر طرحواره جنگ است. بر مبنای این طرحواره چند استعاره متفاوت شکل گرفته است که آنها را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- کرونا دشمن است.
- تلاش برای پیشگیری از کرونا یا درمان آن، جنگ است.
- کادر درمان سرباز هستند.
- کادر درمان جهادگر هستند.
- تلاش کادر درمان جهاد/مجاهدت است.
- کادر درمانی که در این راه جان خود را از دست می‌دهند شهید هستند.
- بیمارستان/درمانگاه، خط مقدم جنگ با کرونا است.

- همه گیری جهانی کرونا، جنگ جهانی است.
- بهبودی از بیماری کرونا، شکست دادن دشمن است.
- بهبودی از بیماری کرونا، پیروزی بر دشمن است.

نیروهای طبیعت

یکی دیگر از طرحواره‌هایی که در مفهوم‌سازی‌های استعاره‌ای کرونا مشاهده می‌شود طرحواره پدیده‌های دریایی مانند موج، طوفان، سونامی است. از آنجایی که همه این پدیده‌ها به نوعی نیروی مخرب هستند و بروز آنها در اثر نیرویی که اعمال می‌کنند موجب ویرانی و صدمه به انسان و اموال او مانند خانه، خودرو و غیره می‌شود، این استعاره‌ها را باید زیرمجموعه طرحواره نیرو دانست.

- موج سنگین کرونا در اکثر استان‌های کشور
- موج سنگین ابتلا به کرونا در تمام کشور
- موج چهارم کرونا را مهار خواهیم کرد.
- امروز با یک طوفان عظیم و ویروس جهش یافته بسیار چموش در کشور مواجه هستیم.
- طوفان کرونا در مازندران
- طغیان کرونا در بوشهر
- سونامی کرونا در قزوین
- استیصال دهلی نو در برابر کرونا؛ مودی: طوفان کرونا هند را لرزاند.
- موج سواری کرونا در منطقه کاشان/ عادی انگاری باعث جولان کرونا شده است.

استعاره‌های موج، طوفان، سیل و سونامی که همگی جزء پدیده‌های طبیعی نیرومند و ویرانگر هستند، حاکی از وجود طرحواره نیرو است که در آن کرونا به مثابه یک نیروی مهاجم، سهمگین و خسارت‌بار مفهوم‌سازی می‌گردد. از بین زیر طرحواره‌های متعددی که طرحواره نیرو دارد و در بخش سوم مقاله معرفی شدند، در اینجا عمدتاً با زیر طرحواره اجبار و در بعضی موارد، مانند مورد آخری، با زیر طرحواره نیروی متقابل سروکار داریم. در مثال آخر، یعنی «موج چهارم کرونا را مهار خواهیم کرد»، تقابل نیروی کرونا و نیروی متقابل آن که احتمالاً مردم و کادر درمان هستند در عبارت «مهار کردن» تجلی یافته است.



شکل ۳. طرحواره تصویری اجبار (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۸۸)

برندت و بوتلو^۱ (۲۰۲۰) اشاره می‌کنند که در مواجهه با شیوع و کشندگی کووید-۱۹ در سراسر جهان بسیاری از صاحب‌نظران این همه‌گیری را perfect storm (طوفان کامل) نامیده‌اند. این نامگذاری مفهوم نابهنجاری و پیش‌بینی ناپذیری را در ذهن متبادر می‌کند. استعاره یادشده ممکن است درک ما از همه‌گیری کرونا را با اختلال و

^۱ A.M. Brandt & A. Botelho

انحراف مواجه سازد و در نتیجه، ما را در برابر این بیماری به گمراهی بکشاند. کاربرد این زبان به شکل گیری گفتمانی در حوزه سلامت عمومی منجر می شود که انفعالی و تقلیلی و تضعیف کننده است و نه فعال و کل نگر و تقویت کننده. بر این اساس، می توان استدلال کرد که استفاده از استعاره های مبتنی بر طرحواره جنگ و طرحواره نیروهای طبیعت نه تنها کمکی به درک ما از این ویروس ناشناخته و پیشگیری و درمان آن نمی کند، بلکه با ایجاد فضای رعب، ناامنی و استرس وضعیت افراد و جوامع را در برابر این ویروس تضعیف می نماید.

طرحواره فوتبال

بازی فوتبال رقابت و تقابل بین دو طرف است که هریک از آنها تلاش می کند دیگری را شکست دهد. در این بازی، بازیکنان سعی دارند که به روش های مختلف بازیکن مقابل خود را کنار بزنند و توپ را از او عبور دهند. بنابراین، آن را می توان بر اساس طرحواره نیرو تحلیل نمود. در چند مورد از عنوان های خبری مرتبط با کرونا از استعاره فوتبال برای بیان تقابل بین مردم و این بیماری استفاده شده است.

- کروس: کرونا را دریبل کردم؛ در شرایط خوبی هستم.
- بازی هنوز به نفع ما نیست؛ مراقب گل دقیقه ۹۰ کرونا باشید.

۲-۵- استعاره های جدا از طرحواره های تصویری

همان طور که پیش تر گفته شد، همه استعاره های مرتبط با کرونا نشأت گرفته از طرحواره های تصویری نیستند. یکی از مهم ترین سازوکارهای بیان استعاری کرونا استفاده از جاندارپنداری^۱ و انسان پنداری^۲ است.

جاندارپنداری

به عقیده کووچش (۲۰۱۰: ۱۹)، حوزه مفهومی حیوانات حوزه مبدأ بسیار غنی و زایایی است. غالباً برای صورت بندی و درک انسان و ویژگی ها و رفتارهای او از ویژگی های حیوانات استفاده می شود، مثلاً یک شخص به مثابه ببر، سگ، روباه، مار و غیره در نظر گرفته می شود. اما استفاده استعاری از اصطلاحات مربوط به حیوانات تنها منحصر به انسان نیست و سایر مفاهیم و حوزه های مفهومی را نیز می توان براساس حوزه مفهومی حیوانات بیان نمود. در تعداد قابل توجهی از عناوین خبری مرتبط با کرونا می بینیم که ویروس کرونا به مثابه یک حیوان مفهوم سازی می گردد که با تاخت و تاز و جولان بی محابای خود در مناطق مختلف کشور موجب رعب و وحشت می شود:

- اختاپوس کرونا بر قامت رنجور بهداشت جهانی
- خواب غول کرونا رو به هم نزدیک؛ به ویژه در شب آخر پاییز
- غول خفته ویروس منحوس را دوباره بیدار نکنیم.
- اسب زین کرده کرونا می تازد.
- امروز با یک طوفان عظیم و ویروس جهش یافته بسیار چموش در کشور مواجه هستیم.
- کرونا در آذربایجان غربی افسار گسیخت.

¹ animatism

² anthropomorphism

- مقصر اصلی شیوع افسارگسیخته کرونا کیست؟
- کرونا همچنان بی رحمانه می تازد.
- کرونا در سمنان همچنان می تازد.
- کرونا می تازد و جان می گیرد.
- تاخت و تاز کرونا در چهارمحال و بختیاری
- تاخت و تاز کرونا در ترکیه
- شروع خیز سوم بیماری کرونا در سیستان و بلوچستان
- گیلان همچنان در چنگال کرونا
- جهان پنجه در پنجه کرونا

در برخی از مثال‌های فوق کرونا به وضوح به مثابه حیوان خاصی از قبیل اختاپوس، غول و اسب مفهوم‌سازی شده است. در سایر موارد رفتارهای ویروس کرونا براساس رفتارهای حیوانات و به ویژه تاخت و تاز کردن و افسار گسیختن بیان شده است. در دو مثال آخر نیز از اندام‌های بدن حیوانات، یعنی چنگال و پنجه، برای تسلط ویروس کرونا بر زندگی و سلامتی مردم استفاده استعاری شده است. در مفهوم‌سازی استعاری مبتنی بر جاندارپنداری غالباً از حیواناتی به عنوان حوزه مقصد استعاری استفاده می‌شود که جثه (مانند غول، اختاپوس)، رفتارها (مانند تاختن، افسار گسیختن، خیز برداشتن) یا اندام‌های آنها (مانند چنگال، پنجه) نوعی تصویر همراه با ترس و وحشت در ذهن مخاطب به وجود می‌آورد. به نظر می‌رسد که در مثال‌های بالا، در عنوان چهارم، عبارت «اسب زین کرده» به این ادعا اشاره دارد که این ویروس ساخته دست بشر است.

انسان‌پنداری

ما انسان‌ها از ویژگی‌ها و فعالیت‌های فیزیکی و همچنین از احساسات و تمایلات و خصوصیات ذهنی خود آگاهی زیادی داریم و همین امر باعث می‌شود که سایر پدیده‌ها و مفاهیم دنیای اطراف خود را به مثابه انسان مفهوم‌سازی کنیم و آن را بر اساس ویژگی‌ها و فعالیت‌ها و محدودیت‌های خود درک و بیان کنیم. کووچش (۲۰۱۰، ۳۹)، انسان‌پنداری یا شخصیت‌بخشی^۱ را صورت خاصی از استعاره‌های هستی‌شناختی^۲ می‌داند که در آن یکی از بهترین و شناخته‌شده‌ترین حوزه‌های مفهومی به عنوان حوزه مبدأ مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد؛ یعنی خود انسان. انسان‌پنداری نه تنها در ادبیات بلکه در زبان روزمره نیز به وفور یافت می‌شود، برای مثال در عبارت «تورم سرمایه‌های ما را می‌بلعد»، تورم دارای ویژگی انسانی شده است. انسان‌پنداری نوع خاصی از سازوکار جاندارپنداری است که در آن خصوصیات، انگیزه‌ها، تمایلات یا احساسات انسانی به موجودی غیرانسان نسبت داده می‌شود (اپلی، وایتز و کاسیوپو^۳، ۲۰۰۷). در تیتراهای خبری زیر استعاره «کرونا انسان است» به کار رفته است.

- مراقب تورتابستانه ویروس منحوس باشیم.

^۱ personification

^۲ ontological metaphor

^۳ N. Epley, A. Waytz & J. T. Cacioppo

- تازیانه کرونا بر پیکر صنایع دستی
- کرونا در کمین مسافران مترو
- پای کرونا روی گلوی سومین اقتصاد آسیا
- جان بابایی: رد پای کرونا آفریقایی در جنوب کشور
- هدیه زندگی دور از چشم کرونا
- کرونا درب طالقان را به روی مسافران بست.
- کرونا وقت شناس!
- کرونا بد کرد، خودمان هم مقصریم.
- نبض کرونا همچنان در طارم تند می زند.
- آیا کرونا در ۱۴۰۰ از نفس می افتد؟
- کرونا کرکره های بازار تهران را پایین کشید.
- کرونا منتظر دولت بعدی نمی ماند!

در مثال های بالا اعمال، رفتارها و ویژگی های انسانی به کرونا نسبت داده شده است. در مثال اول، کرونا به مثابه انسانی مفهوم سازی شده است که به تور تابستانه می رود. در مثال دوم، تازیانه به دست می گیرد. در مثال سوم، برای مسافران مترو کمین می کند. در مثال چهارم، پای خود را روی گلوی اقتصاد می گذارد. به همین ترتیب، در مثال های بعدی نیز ویژگی ها (مانند وقت شناس بودن، نبض داشتن، از نفس افتادن)، اعمال (مانند بستن درب، بد کردن، پایین کشیدن کرکره) یا اندام هایی (مانند پا و چشم) به کرونا منتسب می شود.

استعاره «کرونا قاتل است» یکی از استعاره هایی که زیرمجموعه استعاره «کرونا انسان است» قرار می گیرد. در مفهوم سازی های مبتنی بر این استعاره، ویروس می تواند قتل یا قتل عام کند، جان بگیرد یا حداقل هجوم ببرد، مانند موارد زیر:

- هشدار قتل عام کرونايي!
- کرونا قاتل ۱۰ کرمانشاهی دیگر شد.
- کرونا در موج چهارم جان ۲۸ الیگودرزی را گرفت.
- کرونا می تازد و جان می گیرد.
- هجوم کرونا به تیم محبوب شهر رشت
- هجوم کرونا به تمرینات سپیدرود

آتش

آتش پدیده ای طبیعی است که خصوصیت بارز آن را می توان سوزندگی و آسیب زدن یا نابود کردن دانست. جنبه ای از مفهوم آتش که بیشتر در بیان استعاری کرونا مورد توجه قرار گرفته است جنبه شعله ور شدن ناگهانی یا تدریجی آن است که در مثال های زیر مشاهده می شود.

- آتش زیر خاکستر ویروس منحوس در حال شعله ور شدن

- چه عواملی موجب شعله‌ور شدن آتش کرونا شد؟
- آتش‌نشانان پایتخت در آتش کرونا

در این عنوان‌های خبر با استعاره مفهومی «کرونا آتش است» مواجه هستیم.

سایه

در این مفهوم‌سازی، گاه سایه با صفاتی مانند «منحوس»، «شوم» یا «سیاه» توصیف می‌شود که نشان از نوعی تصویر منفی و ناخوشایند از این ویروس دارد؛ چرا که سایه می‌تواند خوشایند و لذت‌بخش نیز باشد.

- روزهای سخت صنعت گردشگری در زیر سایه کرونا
- سایه منحوس کرونا بر سر گیلان
- ماه رمضان در کشمیر زیر سایه کرونا
- سایه شوم کرونا بر سر کشمیر
- سایه سیاه کرونا بر سر صادرات پسته

«سایه» نیز یکی از پدیده‌های طبیعی است که ما به واسطه مواجهه با طبیعت و شناختی که از آن داریم، به صورت استعاری از این مفهوم برای درک و بیان مفاهیم دیگر استفاده می‌کنیم.

سایر حوزه‌ها

علاوه بر حوزه‌های مفهومی یادشده که برای بازنمایی کرونا در تیتراهای خبری بکار می‌روند، مواردی هر چند اندک از حوزه‌های مفهومی مرتبط با حمل و نقل (مانند قطار، چراغ قرمز)، پرتگاه، تب، سوغات نیز به عنوان حوزه مبدأ استعاری به چشم می‌خورد.

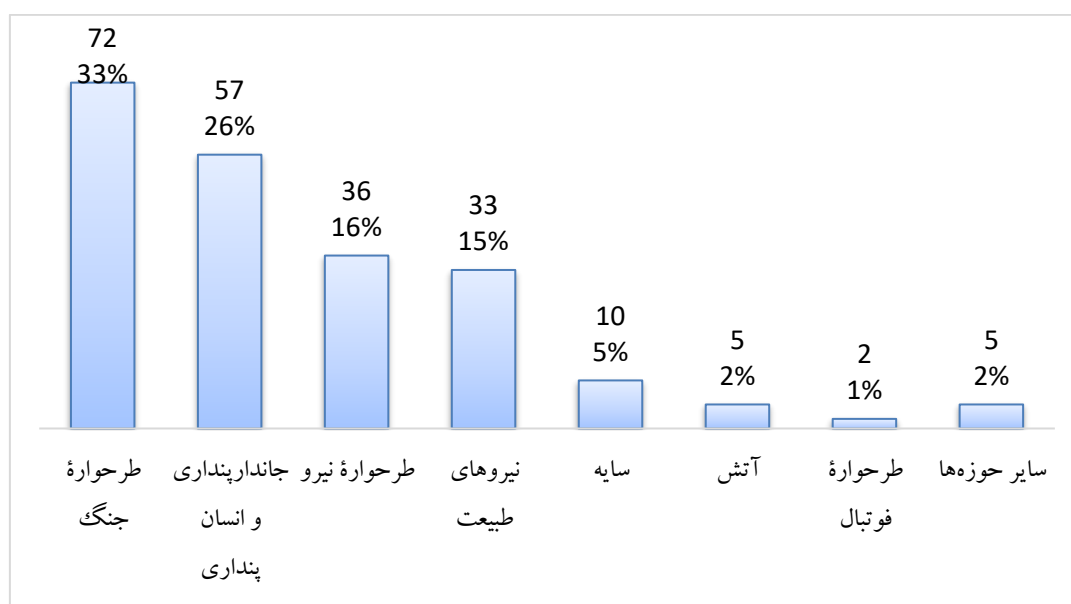
- قطار کرونا در کرمانشاه همچنان مسافر می‌برد.
- ایران پشت چراغ قرمز کووید ۱۹
- تهران روی لبه پرتگاه همه‌گیری
- تب کرونا در اردبیل فروکش کرد.
- کرونا سوغات مسافران به یزد

در مثال اول، دو نگاشت استعاری را شاهد هستیم که یکی بین قطار و کرونا و دیگری بین جان‌باختگان و مسافران برقرار شده است. این عبارت استعاری به‌طور ضمنی حاوی استعاره مفهومی «مرگ سفر است» نیز می‌باشد که جزء استعاره‌های مهم و رایج در حوزه مرگ و زندگی است. در مثال دوم، بین کرونا و چراغ قرمز از یک سو، و بین ایران و ماشین (یا وسیله نقلیه) از سوی دیگر نگاشت ایجاد شده است. در مثال‌های سوم و چهارم با استعاره‌های مفهومی «کرونا وسیله نقلیه است» و «کرونا پرتگاه است» مواجه هستیم. در نهایت، در مثال پنجم استعاره «کرونا سوغات است» را می‌بینیم.

در جدول زیر نتایج حاصل از بررسی عناوین مرتبط با کرونا به طور خلاصه ارائه شده است. در این جدول حوزه‌های مبدأ استعاری که برای بیان و درک بیماری کرونا به کار رفته‌اند به ترتیب بسامد ذکر شده‌اند. نمودار میله‌ای این حوزه‌های مبدأ نیز در شکل ۱ به نمایش درآمده است.

جدول ۲. حوزه‌های مبدأ استعاری در عنوان‌های خبری مرتبط با کرونا

حوزه مبدأ	تعداد عناوین خبری	درصد
طرحواره جنگ	۷۲	۳۳٪
جاندارپنداری و انسان‌پنداری	۵۷	۲۶٪
طرحواره نیرو	۳۶	۱۶٪
نیروهای طبیعت	۳۳	۱۵٪
سایه	۱۰	۵٪
آتش	۵	۲٪
طرحواره فوتبال	۲	۱٪
سایر حوزه‌ها	۵	۲٪
مجموع	۲۲۰	



شکل ۱. حوزه‌های مبدأ استعاری و بسامد آنها

فراوانی استعاره‌های مبتنی بر طرحواره جنگ که در سایر پژوهش‌ها مانند ویک و بلونسی (۲۰۲۰) و مذهب و شهیدی تبار (۱۳۹۹) نیز به اثبات رسیده است، علاوه بر آنکه نشان‌دهنده اهمیت طرحواره نیرو در اندیشه و زبان انسان است، می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که حوزه مفهومی «جنگ» حوزه مبدأ غنی و مناسبی برای مفهوم‌سازی تقلا و تکاپوی انسان در مواجهه با کرونا برای نجات جان خود است. همچنان که در جنگ، یک دشمن بی‌رحم و خونریز

هجوم می‌آورد و جان انسان‌ها را به خطر می‌اندازد، کرونا نیز با بی‌رحمی تمام جان انسان‌های بسیاری را گرفته است و در نتیجه تلاش افراد و به‌ویژه کادر درمان برای نجات جان‌ها به مثابه جنگیدن با دشمن مفهوم‌سازی می‌شود. تاکید بر این استعاره‌ها در عناوین خبری همچنین می‌تواند در راستای این هدف باشد که دولت‌ها و به‌طور خاص بخش بهداشت و درمان می‌خواهند با ترسیم فضای جنگ، از یک سو در مردم ایجاد ترس نمایند تا بدین وسیله آنها را به رعایت هر چه بیشتر دستورالعمل‌های بهداشتی (مانند شستشوی دست‌ها، ماسک زدن و رعایت فاصله اجتماعی) ترغیب نمایند و از سوی دیگر در کادر درمان و بیماران مبتلا به کرونا عزم و روحیه استقامت و مبارزه را تقویت نمایند. به نظر می‌رسد که فراوانی استعاره‌های مبتنی بر جاندارپنداری و انسان‌پنداری نیز ناشی از این واقعیت است که ما انسان‌ها بیشترین درک را از ویژگی‌ها، اعمال و رفتار خود و سایر جانداران پیرامون محیط زندگی خود داریم و به همین دلیل سایر مفاهیم را براساس مفاهیم مرتبط با انسان و حیوانات درک و بیان می‌کنیم.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل داده‌ها در چارچوب دو نظریه استعاره مفهومی و طرحواره‌های تصویری نشان می‌دهد که استعاره‌های به‌کاررفته برای مفهوم‌سازی کرونا را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد:

۱) استعاره‌های مبتنی بر طرحواره‌های تصویری: در شکل‌گیری این استعاره‌ها طرحواره تصویری نیرو نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند و می‌تواند به صورت طرحواره جنگ، نیروهای طبیعت و فوتبال زیربنای مفهوم‌سازی‌های استعاری قرار بگیرد.

۲) استعاره‌های جدا از طرحواره‌های تصویری: در شکل‌گیری این استعاره‌ها حوزه‌های مبدأ انسان و حیوانات که به صورت انسان‌پنداری و جاندارپنداری به کار می‌روند و همچنین حوزه‌هایی از قبیل آتش، سایه و وسیله نقلیه نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

استعاره‌هایی که ما برای توصیف بیماری‌ها به کار می‌بریم تا حد زیادی تجربه ما از آن بیماری‌ها را شکل می‌دهند. برای مثال، گفتمان فرهنگی ما راجع به بیماری‌هایی از قبیل سرطان و ایدز باعث ایجاد احساس ترس و شرمساری می‌گردد که مانع از فعالیت‌های مراقبتی شده و بیماران را منزوی می‌کند (سونتگ^۱، ۲۰۰۱). همان‌طور که در بخش تحلیل داده‌ها دیدیم، طرحواره جنگ رایج‌ترین و پرکاربردترین طرحواره استعاری برای بیان کرونا است و این یافته همسو با یافته‌های مذهب و شهیدی‌تبار (۱۳۹۹) و نیز دانش‌زاده (۱۳۹۹) است. مفهوم‌سازی ویروس کرونا براساس مفهوم جنگ که یک مفهوم خشن، هراس‌آور و منفی در ذهن انسان‌هاست می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که جوامع در اثر نحوه خبررسانی مرتبط با کرونا که موجب ایجاد رعب و وحشت در مخاطب شده است یا در اثر عواقب و عوارض این بیماری که به مرگ افراد زیادی انجامیده است، تصویری بسیار ناخوشایند و همراه با ترس و وحشت از این بیماری در ذهن خود ساخته‌اند به طوری که آن را نه یک عامل بیماری، بلکه دشمنی وحشی و خشن و خطرناک می‌دانند. بنابراین، عرصه جوامع درگیر کرونا به میدان جنگی تبدیل شده است که در یک سوی آن مردم و کادر درمان قرار دارند و در سوی دیگر دشمنی قاتل و بی‌رحم که از هر سو هجوم می‌آورد و افراد را با خشونت تمام به کام مرگ می‌فرستد. طبیعتاً

^۱ S. Sontag

در چنین شرایطی که رعب و وحشت شدید بر جامعه حکمفرما شود و فضای جامعه به میدان پراکنش جنگ تبدیل گردد، نمی‌توان از افراد جامعه انتظار رفتار عقلانی توأم با آرامش و خونسردی داشت. در چنین فضایی دستورالعمل‌های بهداشتی و توصیه‌های متخصصان اثرگذاری مطلوب نخواهد داشت. بنابراین به نظر می‌رسد که استعاره «کرونا دشمن است» نه تنها کمکی به پیشگیری و درمان این بیماری نمی‌کند بلکه تأثیر منفی در این زمینه دارد.

سونتاک (۱۹۷۸) در کتاب تأثیرگذار خود با عنوان «بیماری به مثابه استعاره»^۱ نشان می‌دهد که مردم به دلیل ناآگاهی و بی‌اطلاعی نسبت به بیماری‌ها، به کمک استعاره‌ها دست به افسانه‌پردازی می‌زنند. همان‌طور که ملیحه^۲ (۲۰۲۱) اشاره می‌کند، به نظر می‌رسد که این مسأله در مورد بیماری کرونا نیز به چشم می‌خورد و کمبود اطلاعات در مورد این ویروس به همراه ترس و وحشت شدید از آن باعث پیدایش استعاره‌هایی شده است که به وحشت عمومی دامن می‌زند و کمکی به درمان بیماری نمی‌کند.

وجود مفاهیم مربوط به طبیعت و پدیده‌های طبیعی نیز در مفهوم‌سازی‌های استعاری کرونا موضوعی قابل توجه است و نشان می‌دهد که انسان‌ها به دلیل ارتباط نزدیکی که با طبیعت دارند از عناصر و پدیده‌های طبیعی به عنوان یک حوزه مفهومی غنی و مؤثر برای درک و بیان مفاهیم دیگر استفاده می‌کنند. براساس استعاره‌های مربوط به نیروهای طبیعی، آتش، سایه و سایر مفاهیم همچون پرتگاه می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از استعاره‌های مفهومی زیربنایی در زمینه ویروس کرونا استعاره «کرونا پدیده طبیعی است» می‌باشد که البته این پدیده طبیعی نه پدیده‌ای مثبت و خوشایند، بلکه پدیده‌ای هراس‌آفرین و مخرب است.

در پایان باید به این نکته توجه داشت که استعاره یکی از سازوکارهای شناختی زیربنایی در ذهن و اندیشه انسان است و نمی‌توان انتظار داشت که جوامع در مواجهه با بیماری سهمگینی مانند کرونا از مفهوم‌سازی‌های استعاری اجتناب کنند. شاید بتوان ادعا کرد که «انسان‌ها نمی‌توانند بدون استعاره فکر کنند یا بدون معانی استعاری جهان را تجربه نمایند» (نی و همکاران^۳، ۲۰۱۶) اما از رسانه‌ها این انتظار را می‌توان داشت که خبررسانی را به گونه‌ای انجام دهند که به جای ایجاد فضای رعب و وحشت و ناامنی، در مخاطبان خود حس آرامش و اطمینان و امید ایجاد کنند و در این زمینه می‌توانند از نظرات متخصصان و به خصوص زبان‌شناسان و نتایج مطالعات علمی این حوزه استفاده نمایند.

منابع

جاوید، سیده سحر رحیمیان، جلال (۱۳۹۹). *تفاوت‌های استعاری ویروس کرونا در عناوین روزنامه‌های اعتماد و ایران*. رسانه، ۱۲۱، ۸۹-۱۰۰.

خبرگزاری ایسنا. به نشانی <https://www.isna.ir>

خبرگزاری تسنیم. به نشانی <https://www.tasnimnews.com>

خبرگزاری فارس. به نشانی <https://www.farsnews.ir>

خبرگزاری مهر. به نشانی <https://www.mehrnews.com>

¹ Illness as Metaphor

² H.A. Maliha

³ J. Nie et al.

دانش‌زاده، سهیل (۱۳۹۹). از استعاره رایج در تعبیرگری کرونا تا کرونای استعاری: ضرورت بازنگری در تعبیرگری‌های استعاری مرتبط با همه‌گیری کووید-۱۹. مقاله ارائه‌شده در همایش مجازی ابعاد انسانی-اجتماعی مسئله کرونا در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۹.

مذهب، محمدامین و شهیدی‌تبار، مصطفی (۱۳۹۹). بررسی کاربرد استعاره‌های مفهومی در اخبار برخط مرتبط با بیماری کرونا در ایران. نامه فرهنگ و ارتباطات، ۴ (۲)، ۴۵-۶۰.

- Brandt, A. M., & Botelho, A. (2020). Not a Perfect Storm — Covid-19 and the Importance of Language. *New England Journal of Medicine*, 382 (16). <https://doi.org/10.1056/NEJMp2005032>
- Chaiuk, T. A., & Dunaievska, O. V. (2020). Producing the Fear Culture in Media: An Examination on Coronavirus Discourse. *Journal of History Culture and Art Research*, 9(2), 184-194. doi: <http://dx.doi.org/10.7596/taksad.v9i2.2636>
- Chen, E., Lerman, K., & Ferrara, E. (2020). Tracking Social Media Discourse about the COVID-19 Pandemic: Development of a Public Coronavirus Twitter Data Set. *JMIR Public Health Surveill*, 6(2):e19273. DOI: 10.2196/19273
- Cienki, A. (1998). 'STRAIGHT: an image schema and its metaphorical extensions', *Cognitive Linguistics*, 9, 2, 107-50.
- Craig, D. (2020). Pandemic and its metaphors: Sontag revisited in the COVID-19 era. *European Journal of Cultural Studies*. <https://doi.org/10.1177/1367549420938403>
- Epley, N., Waytz, A., & Cacioppo, J.T. (2007). "On seeing human: A three-factor theory of anthropomorphism". *Psychological Review*, 114 (4): 864-886.
- Evans, V. & Green, M. (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Flusberg, S.J., Matlock, T., & Thibodeau, P.H. (2018). War metaphors in public discourse. *Metaphor and Symbol*, 33.1. 1-18.
- Gibbs, R. W. (2006). Metaphor: Psychological Aspects, In J. L. Mey (Ed.) (2009), *Concise encyclopedia of pragmatics* (pp. 601-608). Oxford: Elsevier.
- Gibbs, R. W. & Colston, H. (1995). 'The cognitive psychological reality of image schemas and their transformations', *Cognitive Linguistics*, 6, 4, 347-78.
- Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*. Chicago: Chicago University Press.
- Karisani, N., & Karisani, P. (2020). "Mining Coronavirus (COVID-19) Posts in Social Media" arXiv preprint arXiv:2004.06778.
- Karlberg, M., & Buell, L. (2005). Deconstructing the 'war of all against all': The prevalence and implications of war metaphors and other adversarial news schema in TIME, Newsweek, and Maclean's. *Journal of Peace and Conflict Studies*, 12.1: 22-39.
- Khan, S., Asif, A., & Jaffery, A. E. (2020). Language in a Time of COVID-19: Literacy Bias Ethnic Minorities Face During COVID-19 from Online Information in the UK. *Journal of Racial and Ethnic Health Disparities*. <https://doi.org/10.1007/s40615-020-00883-8>
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and emotion: Language, culture, and body in human feeling*. New York, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kovecses, Z. (2005). *Metaphor in Culture: Universality and Variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction* (2nd Ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2014). Metaphor and metonymy in the conceptual system. In F. Polzenhagen, Z. Kövecses, S. Vogelbacher & S. Kleinke (eds.), *Cognitive Explorations into Metaphor and Metonymy* (pp. 15-34). Frankfurt am Main: Peter Lang Edition.
- Kövecses, Z. (2018). Metaphor in media language and cognition: A perspective from conceptual metaphor theory. In *Lege artis. Language yesterday, today, tomorrow. The journal of University of SS Cyril and Methodius in Trnava*. Warsaw: De Gruyter Open, III (1), p. 124-141.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.

- Lakoff, G. & Johnson, M. (1987). *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (ed.), *Metaphor and thought* (pp. 202-251). New York: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1990), 'The Invariance Hypothesis: is abstract reason based on image-schemas?', *Cognitive Linguistics* 1, 39–74.
- Lakoff, G. & Turner, M. (1989). *More than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago: University of Chicago Press.
- Maliha, H.A. (2021). Inhumanity behind Illness with Reference to “Illness as Metaphor” and COVID-19 Pandemic. *Academia Letters*, Article 1688. <https://doi.org/10.20935/AL1688>.
- Nie, J., Gilbertson, A. L., Roubaix, M., Staunton, C., Niekerk, A., Tucker, J. D., and Rennie, S. (2016). *Healing Without Waging War: Beyond Military Metaphors in Medicine and HIV Cure Research*. DOI: 10.1080/15265161.2016.1214305.
- Panzeri, F., Di Paola, S., & Domaneschi, F. (2021). Does the COVID-19 war metaphor influence reasoning? *PLoS ONE*, 16(4): e0250651. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0250651>
- Ruiz de Mendoza, F.J., & Pérez, L. (2011). The Contemporary Theory of Metaphor: Myths, Developments and Challenges. *Metaphor and Symbol*, 26, 1-25.
- Sontag, S. (1978). *Illness as Metaphor*. McGraw-Hill Ryerson Ltd.
- Sontag, S. (2001). *Illness as metaphor and AIDS and its metaphors*. New York: Picador.
- Sullivan, K. (2017). Conceptual Metaphor. In B. Dancygier (ed.), *The Cambridge Handbook of Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ungerer, F. & Schmid, H.-J. (2006). *An Introduction to Cognitive Linguistics* (2nd ed.). Harlow: Longman.
- Wicke, P., & Bolognesi, M.M. (2020). Framing COVID-19: How we conceptualize and discuss the pandemic on Twitter. *PLoS ONE* 15(9): e0240010.